

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد

در میان شهروندان کرمانی

منصور حقیقتیان*، زهیرمصطفی بلوردی،** طیبه بلوردی***

چکیده

پرسش از چرایی فساد از قدیمی‌ترین پرسش‌های پیش روی انسان است که در عصر حاضر نه تنها رنگ کهنگی به خود نگرفته بلکه به یکی از اساسی‌ترین چالش‌ها و پرسش‌ها بدل گشته است. مشکل این پرسش از آنجا آغاز می‌شود که آنچه در کانون توجه برداشت‌های تجربی صورت‌گرفته از فساد قرار دارد، پرداختن به فساد اداری و پیامدهای آن است. این نوشتار ضمن تأکید بر چنین تحقیقاتی، حلقه مفقوده آنها را عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد دانسته و با مبنا قراردادن دیدگاه انتخاب عقلانی، نظریه دوره‌ای اجتماعی و نظریه بازی و برساختن مفاهیم ترجیحات ایثارگرانه، ترجیحات طفیل‌گرایانه، ارزش‌های ترقی فردی، کاهش قبح فساد، دین‌داری و عقلانیت ابزاری با روش پیمایش و تکنیک نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، آنها را در میان چهارصد نفر از شهروندان کرمانی به محک آزمون نهاده است. یافته‌ها حکایت از آن دارد که به استثنای متغیر ارزش‌های ترقی فردی و دین‌داری، تمامی متغیرها معنادارند. هرچند که میزان و جهت تأثیرگذاریشان متفاوت است. همچنین ضریب رگرسیون دلالت بر سهم بیشتر متغیرهای کاهش قبح فساد، ترجیحات طفیل‌گرایانه و عقلانیت ابزاری در تغییرات نگرش شهروندان به فساد داشته‌اند؛ به گونه‌ای که به استثنای ارزش‌های ترقی فردی و دین‌داری، متغیرهای ترجیح ایثارگری، ترجیح طفیلی‌گری، کاهش قبح فساد و عقلانیت ابزاری رابطه معناداری با نگرش به فساد برقرار نمودند.

کلیدواژه‌ها: نگرش به فساد، ترجیح رفتاری ایثارگرانه، ترجیح رفتاری طفیل‌گرایانه، ارزش‌های ترقی فردی، کاهش قبح فساد.

*دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان (نویسنده مسئول) mansour_haghighatian@yahoo.com
**دکتری جامعه‌شناسی، گروه تربیت حرفه‌ای، دانشگاه فرهنگیان، کرمان، ایران mostafa.balvardi@gmail.com
***عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سیرجان t_balvardi90@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۲۳ تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۲۲

مسائل اجتماعی ایران، سال هشتم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۵۵-۷۵

در چارچوب واکاوی آسیب‌های اجتماعی، شناخت نگرش‌ها و ایستارهای ذهنی یکی از مهم‌ترین بایستگی‌های تحلیلی در حوزه علوم اجتماعی است. در یک گستره وسیع می‌توان نگرش‌ها را شبکه مرجعی قلمداد نمود که افراد و گروه‌ها از طریق آن جهان را می‌بینند و تفسیر می‌کنند. با توجه به چنین نقشی است که از جایگاه مطالعاتی نگرش‌ها در قلمرو گفتمانی آسیب‌شناختی نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. با این حال به نظر نمی‌آید مطالعه جامعه‌شناسانه نگرش‌ها در گستره فساد، نسبت به سایر بررسی‌های این حوزه در ایران سهم درخور توجهی به خود اختصاص داده باشد. مروری بر نگاشته‌های مرتبط بدین موضوع، گواهی است بر مدعای ما که از فساد سازمانی و چرایی و تأثیر پیامدی آن بر جامعه سخن رفته است. طرز تلقی ما، عدم تحلیل علمی و سنجش‌گرایانه شرایط، چگونگی و پیامدهای شکل‌گیری فساد است. با عنایت به چنین ادراکی، نوع نگاه نوشتارهای ذکرشده را تقلیل‌گرایانه می‌دانیم و در تناظر با مشکلات عوامل سازمانی بر پیوند گسست‌ناپذیر فساد با عوامل اجتماعی و فرهنگی تأکید ویژه‌ای داریم. چرا که این عوامل جوّ اخلاقی ایجاد خواهند کرد و تخلف از هنجارهای ابتدایی را به شکلی عادی و پذیرفته‌شده جلوه‌گر می‌سازند (صبوری، ۱۳۸۳: ۱۴۳). برون‌دادی که تبلور آن، ایستارهای ذهنی متمایل به فساد است که ضمن نهادینه‌شدن، منجر به هدررفت پتانسیل‌های سازنده جامعه و مختل‌شدن کارکرد اجتماعی جامعه در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌شود. بی‌شک قرارگیری این گونه پیامدها در زندگی‌های جمعی ناظر بر ارتباط دقیق موضوع با مسائل مهم جامعه ایران است. وضعیتی ناشی از عدم رعایت ارزش‌ها، هنجارها و رواج معضلات اجتماعی تحت عنوان «فروپاشی اجتماعی» (جلایی‌پور، ۱۳۸۵؛ رفیعی و مدنی، ۱۳۸۴؛ رئیس‌دانا، ۱۳۸۴) که ایستارهای کنشگران تسهیل‌کننده آسیب‌ها و پیامدهای برآمده از آن است. در واقع حرکت‌های اصلاحی عرصه‌های فساد، چنانچه نگرش‌ها و ایستارهای ذهنی را مطمع نظر قرار ندهد، ما را در یک وضعیت امتناع از مسئله قرار می‌دهد. در چنین شرایطی است که برای ارائه راه‌حل‌های نظری راهی جز توسل به عوامل اجتماعی-فرهنگی باقی نمی‌ماند. بی‌شک دستیابی به چنین تحولی در خلاء صورت نمی‌گیرد؛ به فعل تبدیل نمودن چنین امکانی موکول به رصدکردن زیربناهای فکری جامعه است. با این مقدمه طولانی می‌توان ادعا نمود نگرش‌ها به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ذهنی با ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری هم‌بسته‌اند و هرچه محیط اجتماعی نگرشی مثبت یا منفی به گسترش فساد داشته باشد؛ موضوع نیز از آن متأثر خواهد شد. در چنین شرایطی باید اذعان داشت که مطالعات مرتبط با فساد در داخل و خارج کشور در قالب تنگاتنگی از عوامل بیرونی (ادیب، ۱۳۷۴؛ تقوی، ۱۳۸۶؛ شکری، ۱۳۸۸؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۸؛ کیا، ۱۳۸۹؛ ربیعی، ۱۳۸۹؛ عباسی و جمال‌پور،

¹ Social Collapse

۱۳۹۰؛ پاترنوستر، ۱۹۸۹؛ اگنیو، ۱۹۹۰؛ بکمن و همکاران، ۱۹۹۲؛ بیکر و پی کیورو، ۲۰۱۰) ساخت یافته‌اند.

بدین طریق، شناخت نوع نگرش افراد جامعه به‌عنوان مسیر رسیدن به چرایی وقوع فساد از اهداف این پژوهش است. در همین زمینه، مقاله در جست‌وجوی پیمایش جدید شناسایی چرایی گسترش فساد است. نوشتار حاضر با وقوف به خلاء یا کمبود تحقیقات مبتنی بر شناسایی هم‌بسته‌های اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد نگاشته شده است تا با شناخت ایستارهای ذهنی موافق یا مخالف، زمینه مداخله و کاهش این عوامل و هنجارها را فراهم آورد. با این تفصیل، تفکر محوری مقاله بر مبنای این پرسش کلیدی فرمول‌بندی شده که آیا می‌توان رابطه نگرش به فساد با عوامل اجتماعی-فرهنگی را پی‌جویی کرد؟ پرسش فرعی این پژوهش عبارت است از اینکه دوگانه نگرش مثبت یا منفی به فساد در میان کنشگران اجتماعی به کدام سو گرایش دارد؟

چارچوب نظری

فساد حامل تعاریفی متعدد و «متضمن تخطی از وظیفه اجتماعی یا انحراف از معیارهای عالی اخلاقی در ازای (یا به امید) سود شخصی، قدرت یا شهرت است» (جولیوس و کولب، ۱۳۹۴: ۶۴۷). همچنین همزاد اصطلاح لاتین «Corruption» به معنای «تباه‌شدن»، «شکستن» و «شکسته‌شدن» (حبیبی، ۱۳۷۵: ۳۰؛ بلالی و فرامرزی، ۱۳۸۰: ۱۱) است. اکثر تعاریف ارائه‌شده به فساد اداری نظر دارند و به جای پرداختن به ریشه‌های فساد بیشتر به شیوع آن می‌اندیشند و پاسخ‌گوی هدف متصورشده مقاله نخواهند بود. با این وجود، معادل پیش‌فرض ما به فساد، به‌عنوان سازه‌ای اجتماعی-فرهنگی، در تعریف هوپ (۲۰۰۰) قابل ردیابی است. وی فساد را از بعد اخلاقی و اجتماعی تعریف و آن را به‌عنوان یک بیماری فرهنگی یا بازتاب یک شکست اخلاقی یا جداسدن از هنجارهای اجتماعی پذیرفته‌شده و انحراف نامطلوب اجتماعی تلقی کرده که دستیابی به منافع شخصی غیرقانونی در آنها مورد تأکید است؛ درحالی که ممکن است به دلیل عادی‌شدن فساد، برخی از مصادیق آن در زمره هنجارهای اجتماعی پذیرفته‌شده نیز قرار گیرند.

ریشه‌یابی شکل‌گیری و تداوم فساد می‌تواند تحت تأثیر شرایط و عوامل فردی-اجتماعی عدیده، کم‌وکیف متفاوتی به خود گیرد. از این رو، طرح رویکردهای نظری تبیین آن، می‌تواند در گستره وسیعی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه مورد توجه باشد. لذا تبیین عوامل و ریشه‌های اجتماعی فساد به مثابه یک آسیب اجتماعی را با استناد به صورت‌بندی گفتمانی رویکرد اخلاقی و دیدگاه انتخاب عقلانی و تئوری‌های متفرع از آن چون دوراهی اجتماعی و نظریه بازی مدنظر داریم.

¹ Rational Choice Theory

در رویکرد نظری رابرت مرتن (۱۳۷۶) و رفیع پور (۱۳۸۸)، فساد تمایل نهادینه شده‌ای در جهت بیراهه رفتن به عنوان یک روش، هنجار و فرهنگ است. چرا که «نیروهای هنجاری بالفعل» اعمال اجتماعی را با هر اصلی که باشند از نظر هنجاری توجیه و پنهان می‌کنند. این گونه مشروعیت‌دادن، درک هنجارها و شرایط صواب و واقعی را برای کنشگران دشوار می‌سازد (مرتین، ۱۳۷۶: ۴۵). در این فرایند، اخلاقیون با قائل شدن بار اخلاقی به فساد، مستولی شدن آن را ناشی از جایگزینی ضدارزش‌ها می‌دانند. در وجه و چگونگی این ویژگی، شوارتز ارزش‌های معطوف به کنش‌های انسانی را در دو نوع «ارزش‌های ترقی فردی» شامل ارزش‌های ثروت، مقام، تأیید اجتماعی، موفقیت، خوشی و لذت و «ارزش‌های تعالی فردی» مانند مفیدبودن، مسئولیت‌پذیری، صداقت، وفاداری، عدالت اجتماعی، هماهنگی درونی، برابری و وحدت با طبیعت (بیرهوف، ۱۳۸۴: ۱۵ و ۳۸۶) تقسیم‌بندی می‌کند. در همین زمینه صاحب‌نظران شناختی و عقلانی اخلاق، با بیان ارزش‌های تعالی فردی، کنش‌های سودجویانه را مستلزم پرهیز از دگرخواهی و رعایت حقوق دیگران و تمایل به خودخواهی و خودمداری می‌دانند (جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۱۲). البته بسیاری در این نکته تردید دارند که بدون یک سیستم کنترل درونی بتوان از چنین اعمالی رهایی یافت. دیوید رازمن^۱ سیستم کنترل درونی از جمله پاینده‌های مذهبی را کارا تر می‌داند؛ زیرا در غیر این صورت، هزینه‌های حیثیتی اقدام به فساد رنگ خواهد باخت و عده‌ای با این نگرش، اعمال توأم با فساد را فاقد قبح لازم می‌یابند (رفیع پور، ۱۳۸۸).

بدیهی است که فعالیت‌های منفعت‌طلبانه را نمی‌توان به ارزش‌های ترقی فردی و توجیهات هنجاری کلان فروکاست. منظری تلفیقی به فساد و رویکردی خردتر، یعنی ذهنیت کنشگران، جنبه بازنمایانه‌تری از موضوع فراهم می‌آورد. یکی از نظریات راهگشا استفاده از نظریه «انتخاب عقلانی» است. در منظر این نظریه، پدیده‌های اجتماعی حاصل جمع اعمال افراد بسیاری است که براساس محاسبات عقلانی عمل می‌کنند (لیتل، ۱۳۷۳: ۹-۶۸). ریشه‌های فکری این نظریه را باید در مکتب کلاسیک جرم‌شناختی ردیابی کرد که مطابق با آن، همه رویکردهای نگرشی انسانی در دو بعد پیگیری منافع و دوری از رنج خلاصه می‌شود (دنگ، ۱۹۹۴). بر این اساس، نگرش مثبت به جرم نیز نوعی منفعت تلقی می‌شود که به دنبال افزایش منافع حاصل از جرم رخ می‌دهد. درک کورنیش^۲ و روناد کلارک^۳ گزاره اصلی خود را بر کنشگران عاقل و انتخاب‌گر می‌گذارند (ری گولی و هویت، ۲۰۰۰: ۷۰) و در نهایت به یک مدل از سودهای ناشی از عمل غیرقانونی و هزینه‌های آن می‌رسند. علاوه بر آن، افراد به واسطه ارزیابی متفاوتشان از جرم، در

¹ Riesman, D.

² Cornish, D.

³ Clarke, R.

نگرش‌ها نیز با یکدیگر متفاوت می‌شوند (مهلهکوپ و گراف، ۲۰۱۰: ۱۹۳). رویکرد انتخاب عقلانی بر چرایی فرایند انتخاب ارتکاب به جرم پافشاری می‌کند که می‌تواند متأثر از نوع نگرش به جرم باشد. این فرایند نوعی ساختار انتخاب است که به‌عنوان پیوستگی فرصت‌ها، هزینه‌ها و منافع دسترسی به انواع خاصی از جرم تعریف می‌شود (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۷: ۹۳۳). به عبارت دیگر، نگرش مثبت یا منفی به فساد زمانی که یک فرد بعد از مدنظر قراردادن نیازها (پول، فرصت برای موفقیت وجهه‌دار)، ارزش‌ها (وجدان، معیارهای اخلاقی) و عوامل موقعیتی ظهور می‌کند (سیگل و سنا، ۱۹۹۷: ۹۱).

در بخش‌های دیگر نظریه انتخاب عقلانی از جمله «دوراهی اجتماعی»^۱ و «نظریه بازی»^۲ کنش‌های انسانی بررسی می‌شوند که قرابت بسیاری با موضوع این پژوهش یعنی ریشه‌های مؤثر بر نگرش به فساد دارند. مسئله دوراهی اجتماعی به موقعیتی اشاره دارد که در آن بازده یا منافع فردی بالاست. اگر انسان‌ها در جهت منفعت فردی عمل کنند سود می‌برند؛ اما اگر همه چنین کنند درازمدت زیان خواهند دید (ربر، ۱۹۹۵؛ به نقل از جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۸۷). در ساخت نظام جمعی جهت شناسایی نگرش به فساد، استفاده از منطق دوگانه‌انگاران^۳ «فردیت-جمع»^۴ کمک بسزایی به ما خواهد کرد. جمع‌گرایی مورد نظر ما با مفهوم «عام‌گرایی» پارسنز متفاوت است. عام‌گرایی متضمن ارزیابی فرد از امور فیزیکی یا اجتماعی بر مبنای معیارهای عام است؛ درحالی‌که جمع‌گرایی به معنای توجه به منافع جمع در دوراهی‌های اجتماعی است. در جوامعی که کنشگران به‌دنبال بیشینه‌کردن منافع فردی خویش‌اند، عمل بر حسب نفع فردی نظام اداری ناکارآمد و فاسد را شکل خواهد داد. در این وضعیت، بدون توجه به پیامدهای درازمدت آن، نفع خصوصی در مقابل نفع جمعی قرار دارد. البته با استمداد از منظر پارسنزی، کنشگر را نه فقط فرد بلکه خانواده، گروه، سازمان و... نیز می‌دانیم (روشه، ۱۳۷۶: ۵۷). هنگامی که کنشگر فرد است می‌تواند بین منافع فردی خود و منافع جمعی عمل کند و زمانی که کنشگر خانواده است می‌تواند بین نفع خانواده و نفع جمع بزرگ‌تر مخیر گردد.

در همین زمینه، نظریه بازی مابین عقلانیت پارامتریک و عقلانیت استراتژیک تفاوت می‌گذارد. در عقلانیت پارامتریک، کنشگر بدون توجه به انتخاب‌ها و رفتارهای کنشگران دیگر به‌دنبال بهترین شقوق ممکن برای رسیدن به اهداف خود است. اما در عقلانیت استراتژیک، تصمیم فرد وابسته به تصمیمات دیگر بازیگران است (جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۵۵)؛ در نتیجه رواج عقلانیت پارامتریک در شرایط فساد متصورتر از عقلانیت استراتژیک است. در نظریه بازی،

¹ Social Dilemma

² Game Theory

³ Individually

⁴ Collectivity

مجموعه‌ای کنشگر، اعم از فردی و جمعی، جهت به حداکثر رساندن سود فردی خود به تعامل با یکدیگر می‌پردازند. مفهوم عقلانیت در این بازی محدود به عقلانیت ابزاری فردگرایانه است و آن چیزی جز به حداکثر رساندن سود از سوی کنشگر در بازی نیست (چلبی، ۱۳۸۱: ۳۸). در جدول شماره (۱) چهار ترجیح رفتاری در تعامل اجتماعی (مثال: کنشگر الف در برابر کنشگر ب) نمایش داده شده است.

- پاداش: حالتی که هر دو کنشگر به منظور بیشینه‌کردن منافع مشترک همکاری می‌کنند و از مزایای درازمدت آن بهره‌مند می‌شوند.

- حماقت: در این حالت کنشگر الف همکاری می‌کند ولی کنشگر ب از همکاری طرف دیگر سوءاستفاده می‌کند. در رویکرد علوم اجتماعی این حالت کنشگر الف، مصطلح به رفتار «ایثارگرانه» و تلاشی در جهت بیشینه‌کردن منافع دیگران است.

- وسوسه: حالتی که کنشگر الف عدم همکاری و کنشگر ب همکاری دارد. این همان طفیلی‌گری^۲ است؛ زیرا کنشگر الف به دنبال بیشینه‌کردن منافع فردی از طریق نفع‌بردن از همکاری است.

- مجازات: در این حالت دو طرف به دلیل فردگرایی و رقابت همکاری نمی‌کنند و از مزایای همکاری محروم می‌شوند.

جدول ۱. ترجیحات رفتاری کنشگر الف

کنشگر (ب)		تعامل	
		همکاری	عدم همکاری
کنشگر (الف)	همکاری	پاداش	همکاری
	عدم همکاری	حماقت	عدم همکاری

منبع: جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۵۹

تمایز عمده «فردگرایی و طفیلی‌گری» در دوگانه «همکاری/عدم همکاری» است. طفیلی‌گری ناظر بر چشمداشت به همکاری با دیگران و سوءاستفاده از آنان است. اما فردگرایی مثابه‌ای از افزایش نفع فردی بدون چشمداشت به همکاری دیگران است. در پاسخ به چرایی متفاوت بودن ترجیحات رفتاری کنشگران، برنز (۱۹۹۴؛ به نقل از چلبی، ۱۳۸۱: ۳۸) معتقد به تعیین‌کننده بودن روابط و بافت‌های اجتماعی غالب، یا به عبارتی چارچوب فرهنگی شامل هنجارها، ارزش‌ها، اخلاقیات و استراتژی‌های کنشگران است.

¹ Altruistic

² Free Riding

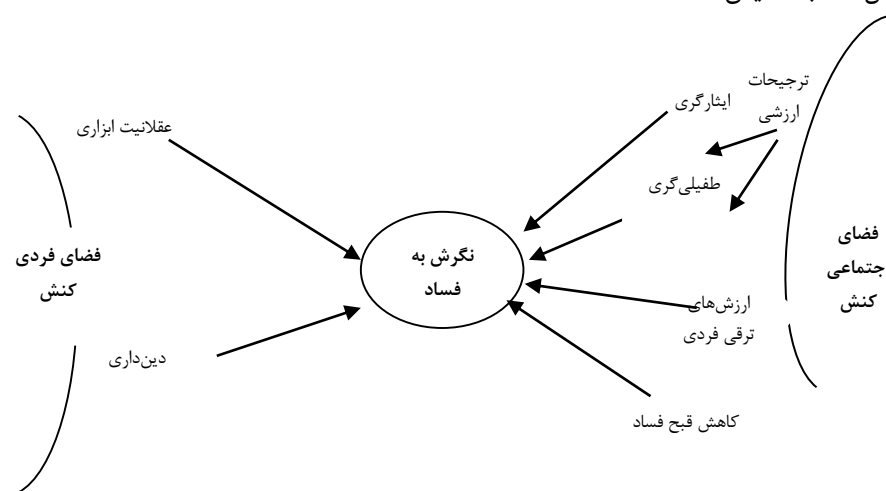
بنابراین نظریه بازی با دوراهی اجتماعی ارتباطی تنگاتنگ دارد؛ چرا که مسئله دوراهی اجتماعی موضوع همکاری یا عدم همکاری در برخی موقعیت‌های خاص است. در همین زمینه، لیزا مارکوزی (۲۰۰۱؛ به نقل از جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۸۰) مهم‌ترین «انگیزه‌های رفتاری مبتنی بر همکاری» را ایثار و عمل بدون چشمداشت، باور به کارآمدی زیاد، کانت‌گرایی روزمره (تفکری که اگر دیگران چنین فکر کنند چه خواهد شد) و «انگیزه‌های رفتار مبتنی بر عدم همکاری» را باور به کارآمدی پایین (این تصور که همکاری من هیچ اثری ندارد) می‌داند.

علاوه بر دیدگاه‌های نظری فوق، منابع تجربی عده‌ای مقوله فساد را به محک آزمون نهاده‌اند. با عنایت به اینکه نوع رویکرد ما به فساد، لحاظ‌نمودن عوامل اجتماعی-فرهنگی حاکم بر ذهنیت کنشگران اجتماعی است؛ این مقوله در میان بررسی‌های انجام‌شده قابل ردیابی نیست. تأملی بر آثار و مقالات علمی گویای غلبه نگاه علت‌کاوانه سازمانی و اداری است. بنابراین، این بررسی می‌تواند تلاشی پیشگامانه در زمینه شناسایی عوامل اجتماعی مترتب با فساد باشد. از این رو پیشینه آن‌چنانی درباره فساد متصورشده ما موجود نیست. اما متغیرهای آن دسته از پژوهش‌هایی که قرابتی با موضوع مورد نظر داشته‌اند مورد توجه قرار گرفته‌اند. در تحقیقاتی که آزمون نظریه انتخاب عقلانی را مدنظر داشته‌اند، پاترنوستر (۱۹۸۹) میان دانش‌آموزان آمریکایی اثر متغیرهای ادراک قطعیت مجازات و شدت مجازات را در قالب مدل انتخاب عقلانی دقیق نمی‌داند. اگنیو (۱۹۹۰) جرایم مالی بزهکاران را ناشی از لذت‌جویی و نیازهای منفعت‌گرایانه می‌داند. بکمن و همکاران (۱۹۹۲) در میان دانشجویان پسر به رابطه و اثرگذاری باورهای اخلاقی بر نوع نگاه افراد به جرم دست یافته‌اند. بیکر و پی کیورو (۲۰۱۰) نیز به رابطه مثبت بین منفعت و جرم رسیده‌اند. از میان تحقیقاتی که مبانی نظری رویکرد اخلاقی، دوراهی‌های اجتماعی و بازی را دست‌مایه قرار داده‌اند، شکری در بحث از فساد (۱۳۸۸)، عباسی و جمال پور (۱۳۹۰) بین «ضعف» و «عدم باور به معیارهای اخلاقی»، تقوی (۱۳۸۶) و ربیعی (۱۳۸۹) بین «فردگرایی و ارزش‌های فردی»، کیا (۱۳۸۹)، ادیب (۱۳۷۴) بین «گروه‌گرایی» و رفیع‌پور (۱۳۸۸) بین «کاهش قبح فساد» با فساد به روابط معناداری دست یافته‌اند. ضمن تأیید و علمی‌دانستن چنین بررسی‌هایی، معتقدیم هم‌پسته‌های مؤثر بر فساد را می‌توان با سنجه‌ها و جامعه آماری جدیدتر به‌عنوان یک موضوع تحلیلی مورد توجه قرار داد. با توجه به مباحث مطرح‌شده، تبیین ریشه‌های اجتماعی و فرهنگی نگرش به فساد را در قالب چارچوب نظری می‌توان بر پایه تشریح برخی ترجیحات ارزشی و رفتاری بر ساخته نمود.

در نتیجه به‌عنوان جمع‌بندی برآمده از پیشینه تجربی و ملاحظات نظری، آغازگر توضیح این پدیده را باید در نقش جهت‌گیری ارزش‌های ترقی‌مادی در سوق‌دهی فرد (بیرهوف، ۱۳۸۴) به سوی نوع نگرش متفاوت به فساد دانست. پیامد قراردادن این ارزش‌ها به اهداف صرف کنش‌های

اجتماعی، چیزی جز فزونی اعمال هنجارشکنانه، کاهش قبح فساد (رفیع پور، ۱۳۸۸) و کاهش حساسیت جامعه نسبت به معیارهای اخلاقی نخواهد بود. زیرا به کارگیری دلبخواهانه گفتمانها و موجه ساختن فردی فساد، تعطیلی اخلاق، کاهش باورهای اخلاقی (سیگل و سنا، ۱۹۹۷) و از پیش روی برداشتن منع های اخلاقی و اجتماعی را در پی خواهد داشت. در نتیجه، رواج ناپهنجاری و بدل شدن آنها به ارزش ها و هنجارها، بافت اجتماعی جدیدی می سازد که بالتبع ترجیحات ایثارگرایانه و طفیلی گرانه بازیگران (برنز، ۱۹۹۴؛ به نقل از چلبی، ۱۳۸۱ ب: ۳۸؛ جوادی یگانه، ۱۳۸۳) را متناسب با عقلانیت ابزاری دگرگون خواهد کرد. در حقیقت کنشگر، ایستار ذهنی خود را با عنایت به کنش ابزاری (چلبی، ۱۳۸۱ ب)، نیازهای منفعت گرایانه (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۷) و ادراک قطعیت و شدت مجازات (پاترنوستر، ۱۹۸۹) به سوی فساد تنظیم می کند. البته این فرایندها منوط به نوع کارکرد دین است؛ زیرا باور رویکرد اخلاقی و منظر انتخاب عقلانی به نقش دین داری در افزایش نگاه های جمع گرایانه قابل توجه است (جوادی یگانه، ۱۳۸۳).

در نهایت چنانکه از گفتار بالا برمی آید، این پژوهش عوامل پوشش دهنده نگرش به فساد را ارزش های ترقی فردی، کاهش قبح فساد، ترجیح رفتاری ایثارگرایانه و طفیلی گری، عقلانیت ابزاری و دین داری فرض گرفته است. ترکیب یا برآیند عوامل مذکور در مدل فرضی مطابق با شکل (۱) به نمایش گذاشته شده اند.



شکل (۱) مدل نظری همبسته های اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد

فرضیه‌ها

- فرضیه اصلی این است که نگرش به فساد با فضای اجتماعی و فردی مورد توجه در این پژوهش مثل ارزش‌های ترقی فردی، کاهش قبح فساد، ترجیح رفتاری ایثارگرانه و طفیلی‌گری، عقلانیت ابزاری و دین‌داری رابطه دارد. به‌طور احتمالی می‌توان گفت:
۱. افراد با ترجیحات ایثارگرایانه نگرش منفی به فساد دارند.
 ۲. افراد با ترجیحات طفیلی‌گرایانه نگرش مثبت به فساد دارند.
 ۳. افراد دارای ارزش‌های ترقی فردی نگرش مثبت به فساد دارند.
 ۴. کاهش قبح فساد در ذهنیت کنشگران نگرش آنها را به فساد مثبت خواهد کرد.
 ۵. دین‌داری در افراد نگرش آنها را به فساد منفی خواهد کرد.
 ۶. بالابودن سطح عقلانیت ابزاری افراد به نگرش مثبت آنها به فساد منجر خواهد شد.

روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی با تکنیک پرسش‌نامه است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان ۶۴-۲۰ ساله شهر کرمان بودند. انتخاب این دامنه سنی متفرع از اهمیت و سهم آنان در تحولات اجتماعی است. همچنین افراد پایین‌تر از این رده به دلیل عدم ورود به فضای کاری، احتمالاً در موقعیت‌های تصمیم‌گیری و تفکر در زمینه تصمیم‌گیری رفتاری درباره مقوله پژوهش قرار نگرفته‌اند؛ از سوی دیگر، افراد بالای این دامنه نیز معمولاً خارج از فضای کاری‌اند. بر طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، جمعیت ۶۴-۲۰ ساله شهر کرمان ۳۹۰۹۳۹ نفر است. حجم نمونه با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ و با فاصله اطمینان ۹۵ درصد با توجه به جای‌گذاری اعداد در فرمول کوکران و با روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای ۳۸۴ نفر انتخاب گردید. این روش غالباً در مطالعات با مقیاس وسیع به کار می‌رود، زیرا هزینه تحقیق را به میزان زیادی کاهش می‌دهد (نجمیاس و نجمیاس، ۱۳۸۱: ۲۷۱). بدین منظور، ابتدا نقشه شهر به چندین منطقه تقسیم شد و سپس از میان آنها چهار منطقه مشخص گردید. در مرحله بعد، از میان هر کدام از این مناطق دو ناحیه انتخاب شد و از درون هر ناحیه دو خیابان به‌عنوان واحد نمونه‌گیری مورد بررسی قرار گرفت. درون هر خیابان تعدادی منزل مسکونی به‌صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب و با مراجعه به آنها از هر خانوار یک نفر، در صورت وجود دامنه سنی، به‌عنوان پاسخ‌گو برگزیده شد. شیوه انتخاب واحدهای مسکونی در هر خیابان تصادفی سیستماتیک بوده است؛ بدین صورت که تعداد واحدهای مسکونی موجود در هر خیابان بر تعداد پرسش‌نامه‌هایی که باید در آن خیابان پر شود تقسیم گردید و عدد حاصله (x) به‌عنوان فاصله بین واحدها در نظر گرفته شد. اولین واحد به‌صورت تصادفی انتخاب و واحدهای بعدی با رعایت فاصله x انتخاب شد.

برآورد اعتبارسازه پرسش‌نامه با تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی صورت پذیرفت. مقدار آزمون KMO برابر با ۰/۹۰۲ نشان از آن داشت که همبستگی موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عامل مناسب خواهد بود.

نتایج ماتریس همبسته (جدول شماره ۲) چرخش داده‌شده نشان می‌دهد که ارزش‌های ویژه عوامل به ترتیب عبارت از ۲/۹، ۳/۹، ۱، ۴/۸، ۳، ۱/۸ بوده‌اند که به ترتیب مقدار ۱۵/۶، ۱۸/۶، ۵/۱، ۱۹/۷، ۱۱/۴ و ۸/۲۳ درصد واریانس آزمون و در مجموع ۷۸/۶۳ درصد کل واریانس متغیرهای آزمون را تبیین می‌کند.

جدول ۲. مقادیر واریانس تبیین‌شده مربوط به هر عامل

مؤلفه‌ها	ارزش ویژه	درصد تبیین واریانس	درصد واریانس تراکمی
ترجیح ایثارگرانه	۲/۹	۱۵/۶	۱۵/۶
طفیل‌گرانه	۳/۹	۱۸/۶	۳۴/۲
ارزش‌های ترقی فردی	۱	۵/۱	۳۹/۳
کاهش قبیح فساد	۴/۸	۱۹/۷	۵۹/۰
دین‌داری	۳	۱۱/۴	۷۰/۴
عقلانیت ابزاری	۱/۸	۸/۲۳	۷۸/۶۳

گویه‌های مربوط به هر عامل در جدول شماره (۳) به نمایش گذاشته شده است. جهت حصول و اطمینان بیشتر از پایایی ابزار سنجش، گویه‌ها به تعداد هشتاد پرسش‌نامه پیش‌آزمون شدند. با تکمیل و کدگذاری و واردنمودن در نرم‌افزار SPSS پایایی آنها با ضریب آلفای کرونباخ برآورد گردید که هر کدام به تفکیک آمده‌اند.

عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر نگرش به فساد در میان شهروندان کرمانی

جدول ۳. عوامل و اجزای مربوط به هر عامل

α	بار عاملی	ارزش‌ها	
۰/۸۰	۰/۸۳۵	اعتراف به گناه یا ابراز پشیمانی	ترجیح ایشان گرایانه
	۰/۸۰۷	رفتار در جهت رفاه دیگران	
	۰/۷۸۸	جست‌وجوی فرصت برای کمک به دیگران	
	۰/۵۵۹	نادیده‌گرفتن سود فوری و شخصی در برابر فعالیت‌هایی که به کل گروه سود می‌رساند	
۰/۷۶	۰/۸۰	تلاش فرد در جهت به اصطلاح بیرون‌کشیدن گلیم خود از آب با استفاده از دیگران	طفیل‌گرایانه
	۰/۶۹۰	گرفتن امتیاز در صورت فراهم‌بودن زمینه	
	۰/۵۲۸	استخدام اقوام در صورت فراهم‌بودن زمینه	
	۰/۵۰۳	توقع از آشنای صاحب‌پست و مقام برای استخدام	
	۰/۵۵۷	استفاده‌کردن از نقاط ضعف دیگران برای پیشرفت	
۰/۷۴	۰/۴۴۴	ارزش‌دادن به لذت طلبی	ارزش‌های ترقی فردی
	۰/۷۱۵	ارزش نیل به هدف	
	۰/۸۰۰	ارزش ثروت	
	۰/۴۳۳	ارزش مقام	
۰/۸۵	۰/۸۳	زرنگی در استفاده از منابع مالی شرکت یا مؤسسه	کاهش قبح فساد
	۰/۷۶۴	بی‌توجه‌بودن نسبت به شنیدن اخبار مربوط به فساد،	
	۰/۷۱۴	دیدگاه درباره پیشرفت‌نکردن جامعه به‌علت سوءاستفاده‌های مالی	
۰/۶۹	۰/۷۱۱	پایبندی به ارزش‌های اخلاقی	دین‌داری
	۰/۷۰۷	رسیدگی به اعمال انسان در جهانی دیگر	
	۰/۵۱۴	کلام خدا بودن قرآن	
	۰/۵۰۳	پوچ بودن زندگی در صورت عدم اعتقاد دینی	
	۰/۴۹۹	احساس تنهایی‌نکردن در صورت به یاد خدا بودن	
	۰/۴۳۷	دین‌دار نبودن فرد بی‌نماز	
	۰/۴۳۳	دین‌دار نبودن فرد در صورت پرداخت نکردن خمس و زکات	
	۰/۵۵۰	ملاک تدین در انتخاب همسر به‌عنوان اولین معیار	
۰/۶۵	۰/۸۴۶	در نظر گرفتن راه‌حل‌های مختلف به هنگام تصمیم‌گیری	عقلانیت ابزاری
	۰/۸۳۳	محاسبه سود و زیان به هنگام انجام عمل و انتخاب کم‌زیان‌ترین عمل	
	۰/۸۲۰	ضرر کردن افرادی که اهل محاسبه سود و زیان هستند	

سنجش‌ها

نگرش به فساد

منظور نظامی از تمایلات، عقاید و اعتقادات (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۳۲) مثبت یا منفی فرد نسبت به فساد است که در طول زمان متأثر از عوامل محیطی و اجتماعی است. پرداخت عملیاتی این مقیاس با استفاده از طیف لیکرت و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و پرسش از تمایل و دیدگاه پاسخ‌گویان از قرارگرفتن در موقعیتی جهت تمایل به انجام عملی در انواع و ابعاد فساد «رشوه، اختلاس،

کلک‌های اقتصادی، باج‌گیری و امتیازدادن» (رفیع‌پور، ۱۳۸۸)، در سطح ترتیبی سه‌گانه نگرش مثبت، بینابین و منفی با چهار گزینه «خیلی کم»، «کم»، «زیاد» و «خیلی زیاد» مورد توجه بودند.

ترجیحات ایثار‌گرایانه

جهت‌گیری و تمایل فرد به رفتار اجتماعی که کنشگر بدون توجه به سود خود به دنبال منفعت دیگران است. ساخت عملیاتی این مفهوم با طیف لیکرت و ضریب آلفای کرونباخ $0/80$ در سطوح پایین، متوسط و بالا است. دیدگاه پاسخ‌گویان درباره گویه‌هایی مانند «اعتراف به گناه یا ابراز پشیمانی، پیش‌بینی تأثیر رفتار خود در رفاه دیگران، جست‌وجوی فرصت برای کمک به دیگران، نادیده گرفتن سود فوری و شخصی در برابر فعالیت‌هایی که به کل گروه سود می‌رساند» (گلاور و برونینگ، ۱۳۸۱) مورد نظر بود.

ترجیحات طفیل‌گرایانه

تمایل فرد در جهت افزایش منافع خویشتن از طریق نفع‌بردن از همکاری دیگران به هر وسیله است (کلارک و فلسن، ۱۹۹۳). مقصود از کنشگر در اینجا فرد، خانواده و گروه خواهد بود. برای عملیاتی‌نمودن این مفهوم از گویه‌هایی چون «تلاش فرد در جهت به‌اصطلاح بیرون‌کشیدن گلیم خود از آب، دادن امتیازات به بستگان در صورت فراهم‌بودن زمینه، استخدام اقوام در صورت فراهم‌بودن زمینه، توقع از آشنای صاحب‌پست و مقام برای استخدام، استفاده‌کردن از نقاط ضعف دیگران برای پیشرفت» (اگنیو، ۱۹۹۰؛ ویتو و همکاران، ۲۰۰۷) سود جست‌ایم. طبقه‌بندی این مفهوم در سطوح پایین، متوسط و بالا با طیف لیکرت و مقدار ضریب آلفای کرونباخ $0/76$ بود.

ارزش‌های ترقی‌فردی

مجموعه‌ای از نظرات، ارزش‌ها و باورهایی که شکل‌دهنده زندگی و تا حدودی تعیین‌کننده رفتار بشر هستند (اسکات و شوارتز، ۲۰۰۰: ۹۷-۹۵) که در این تحقیق با مؤلفه‌هایی چون لذت‌طلبی، نیل به هدف، موفقیت، ثروت و مقام (سیگل و سنا، ۱۹۹۷؛ کیا، ۱۳۸۹) سنجش شده است. گویه‌های این مقیاس با استفاده از طیف لیکرت (با ضریب آلفای $0/74$) در سطوح «زیاد»، «متوسط» و «کم» مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

کاهش قبح فساد

منظور نزول هزینه‌های حیثیتی و قانونی فساد در دید فرد است. عملیاتی‌کردن این مفهوم با ترکیبی از گویه‌های «زرنگی یک کارمند در استفاد از منابع مالی شرکت یا مؤسسه، بی‌توجه‌بودن فرد نسبت به شنیدن اخبار مربوط به فساد، پیشرفت‌نکردن جامعه به علت سوءاستفاده‌های مالی» (رفیع‌پور، ۱۳۸۸) مورد نظر بود که در مجموع متغیری ترتیبی با ضریب آلفای کرونباخ $0/85$ و سه گزینه «کم»، «متوسط» و «زیاد» را شکل داده‌اند.

دین‌داری

اشکال نهادی‌شده باورها و رفتارها (مثل آیین‌ها و ادیان سنتی) و اشکال غیرنهادی‌شده باورها و رفتارها (مانند هرگونه باور فردی به عالم معنوی و نیز اصول اخلاقی متعالی) را شامل می‌شود (سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۹). نظریه‌های انتخاب عقلانی درباره دین شواهدی ارائه می‌کنند که براساس آن، مردم در رفتارهای مذهبی خود بر پایه ارزیابی عقلانی از هزینه‌ها و فایده‌ها عمل می‌کنند (جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۱۹۴). در این تحقیق سنجش پایبندی افراد در سه سطح اعتقادی، مناسکی و عاطفی به‌منظور نوع نگرش به فساد مدنظر است. این مفهوم از طریق گویه‌هایی با آلفای ۰/۶۹ در سطوح پایین، متوسط و بالا در طیف لیکرت سنجش شده است که با پرسش از میزان موافقت یا مخالفت پاسخ‌گویان درباره «کارکرد دین نسبت به پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، رسیدگی به اعمال انسان در جهانی دیگر، کلام خدا بودن قرآن، پوچ بودن زندگی در صورت عدم اعتقاد دینی، احساس تنهایی نکردن در صورت به یاد خدا بودن، دین‌دار نبودن فرد بی‌نماز، دین‌دار نبودن فرد در صورت نپرداختن خمس و زکات، ملاک تدین در انتخاب همسر به‌عنوان اولین معیار» انجام گرفته است.

عقلانیت ابزاری

نظریه انتخاب عقلانی با الهام از وبر، کار فاعلانی را عاقلانه می‌داند که نسبت به شقوق ممکنه، شقی را برگزینند که برای رسیدن به غایاتشان بهترین راه‌حل باشد (جوادی یگانه، ۱۳۸۷: ۳۳). عملکرد و دیدگاه پاسخ‌گویان نسبت به گزینه‌هایی چون «در نظر گرفتن راه‌حل‌های مختلف به هنگام تصمیم‌گیری، محاسبه سود و زیان به هنگام انجام عمل و انتخاب کم‌زیان‌ترین عمل، ضرر کردن افرادی که اهل محاسبه سود و زیان هستند» (کورنیش و کلارک، ۱۹۸۷)، با طیف لیکرت و آلفای کرونباخ ۰/۶۵ در سه سطح پایین، متوسط و بالا سنجیده شده است.

یافته‌ها

بافت جمعیتی نمونه

براساس نتایج جدول (۵)، ۴۳ درصد از پاسخ‌گویان را زنان و ۵۷ درصد را مردان تشکیل داده‌اند. دامنه سنی پاسخ‌گویان بین ۲۰ تا ۶۴ ساله با میانگین ۲۷/۶ سال بوده است که بیشترین نسبت در محدوده سنی ۲۰ تا ۲۹ ساله (۶۲/۵ درصد) جای دارند. به لحاظ وضعیت تأهل، ۷۴/۳ درصد پاسخ‌گویان مجرد، ۲۵/۵ درصد متأهل و ۰/۳ درصد نیز در گزینه سایر (مطلقه، بیوه) قرار گرفته‌اند. تحصیلات ۲۱/۵ درصد از پاسخ‌گویان کاردانی و پایین‌تر، ۶۳/۳ درصد کارشناسی، ۱۲ درصد کارشناسی‌ارشد و ۳/۵ درصد دکترا بوده است.

جدول ۵. بافت جمعیتی نمونه (n=۴۰۰)

متغیرها و طبقات	f	درصد
جنس	زن	۱۷۲
	مرد	۲۲۸
سن	۲۰-۲۹	۲۵۰
	۳۰-۳۹	۳۳
	۴۰-۴۹	۴۱
	۵۰-۵۹	۳۰
وضعیت تاهل	مجرد	۲۹۷
	متاهل	۱۰۲
	سایر	۱
تحصیلات	کاردانی و پایین‌تر	۸۵
	کارشناسی	۲۵۳
	ارشد	۴۸
	دکترای	۱۴

توصیف متغیرهای وابسته و مستقل

بررسی توصیفی متغیرهای عمده پژوهش، جدول شماره (۶)، حاصل ترکیب گویه‌های نگرش به فساد در قالب یک مقیاس ترکیبی با معیار مشترک ۱-۱۰۰ است. بالاترین نسبت (۴۸/۵ درصد) مربوط به کسانی است که نگرش بینابین به فساد داشته‌اند. ۲۷/۲۵ درصد دارای نگرش منفی و ۲۴/۲۵ درصد دارای نگرش مثبت به فسادند. آماره‌های میزان ترجیح رفتار ایثارگری با میانگین ۹/۸ به گونه‌ای است که ۹/۸ درصد از پاسخ‌گویان در طبقه پایین جای دارند، میزان ایثارگرایی ۷۱/۳ درصد پاسخ‌گویان در حد بینابین و ۱۹ درصد نیز در حد بالا قرار دارد. مطابق یافته‌ها در ترجیح رفتاری طفیل‌گرایانه، ۲۳ درصد پاسخ‌گویان طفیلی‌گری پایینی دارند. همچنین ۱۶/۳ درصد طفیل‌گری بالا داشته و اکثر جمعیت (۶۰/۸ درصد) در سطح بینابینی از ترجیح رفتاری طفیل‌گری جای گرفته‌اند. ۷/۸ درصد از پاسخ‌گویان ارزش‌های ترقی فردی پایینی دارند. این در حالی است که با میانگین ۱۸/۵ بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۵۹/۸ درصد) ارزش ترقی فردی بینابینی را اعلام کرده‌اند و ۳۲/۵ درصد نیز ارزش‌های بالایی دارند. میزان کاهش قبح فساد در ۱۰ درصد از پاسخ‌گویان پایین، در ۴۴ درصد بینابین و ۴۶ درصد بالا بوده است. نسبت پاسخ‌گویان در متغیر دین‌داری به گونه‌ای است که ۵۲/۵ درصد آنها در سطح بینابین، ۳۷ درصد پایین و ۱۰/۵ درصد بالا قرار دارند. همچنین جایگاه پاسخ‌گویان با میانگین ۱۵/۱ در متغیر عقلانیت ابزاری به ترتیبی است که ۴۸/۳ درصد از آنها عقلانیت بالایی دارند. ۴۵/۳ درصد آنها از عقلانیت ابزاری بینابین و تنها ۶/۵ درصد عقلانیت ابزاری پایینی دارند.

جدول ۶. توصیف متغیرهای اصلی تحقیق (n=۴۰۰)

SD	Mo	Mdn	M	درصد	درصد	f	متغیرها و طبقات
۳/۲	۱۷	۱۸	۱۸/۱	۲۷/۲۵	۲۷/۲۵	۱۰۹	منفی
				۷۵/۷۵	۴۸/۵	۱۹۴	بینابین
				۱۰۰	۲۴/۲۵	۹۷	مثبت
۱/۸	۹	۱۰	۹/۸	۹/۸	۹/۸	۳۹	کم
				۸۱/۲	۷۱/۳	۲۸۵	بینابین
				۱۰۰	۱۹	۷۶	بالا
۴/۶	۲۰	۲۱	۲۱/۱	۲۳	۲۳	۹۲	کم
				۹۳/۸	۶۰/۸	۲۴۳	بینابین
				۱۰۰	۱۶/۳	۶۵	بالا
۴/۴	۱۸	۱۸	۱۸/۵	۷/۸	۷/۸	۳۱	کم
				۶۷/۵	۵۹/۸	۱۳۹	بینابین
				۱۰۰	۳۲/۵	۱۳۰	بالا
۳/۲	۱۱	۱۱	۱۰/۹	۱۰	۱۰	۴۰	کم
				۵۴	۴۴	۱۷۶	بینابین
				۱۰۰	۴۶	۱۸۴	بالا
۳/۴	۱۷	۱۷	۱۷/۶	۳۷	۳۷	۱۴۸	کم
				۸۹/۵	۵۲/۵	۲۱۰	متوسط
				۱۰۰	۱۰/۵	۴۲	بالا
۳/۱	۱۶	۱۵	۱۵/۱	۶/۵	۶/۵	۲۶	کم
				۵۱/۸	۴۵/۳	۱۸۱	بینابین
				۱۰۰	۴۸/۳	۱۹۳	بالا

آزمون رابطه بین متغیرهای مستقل و نگرش به فساد

نتایج آزمون‌های آماری و یافته‌های جدول شماره (۷)، ناظر بر صحت فرضیه رابطه میان ترجیح رفتاری اینثارگری و نگرش به فساد است. در آزمون دی سامرز (۰/۲۸۱-)، رابطه میان دو متغیر از نظر آماری معنادار و معکوس است. لذا فرضیه «هرچه افراد ترجیح رفتاری اینثارگرانه داشتند، نگرش منفی به فساد دارند» تأیید می‌گردد. در ادامه با عنایت به دوبعدی بودن رابطه و جدول مربعی، جهت بی‌بردن به شدت رابطه، آماره تاوی-بی کندال (۰/۲۸۲-) را مورد توجه قرار دادیم که حکایت از وجود رابطه ضعیف میان دو متغیر مذکور است. مقدار آماره گاما (۰/۲۸۹-)، ضعیف بودن شدت این رابطه را نیز تأیید می‌کند.

مشاهده رابطه ترجیح رفتاری طفیل‌گرایانه با روحیه نگرش به فساد در سطح معناداری (۰/۰۰۵) آزمون دی سامرز (۰/۱۳۳)، معناداری رابطه را می‌رساند. فرضیه «هرچه افراد ترجیح رفتاری طفیل‌گرایانه داشتند، نگرش مثبت به فساد دارند» تأیید می‌گردد. مقدار آماره تاوویی کندال (۰/۱۳۳) نشان از شدت ضعیف رابطه دارد. مقدار آماره گاما (۰/۲۴۱) نیز گواهی بر مدعاست. سطح معناداری به‌دست‌آمده (۰/۴۶۰) جهت بررسی رابطه میان ارزش‌های ترقی فردی

و نگرش به فساد فاقد معناداری آماری است. بر این مبنا، فرضیه «هرچه افراد دارای ارزش‌های ترقی فردی باشند، نگرش مثبتی به فساد دارند» قابل اثبات نیست.

با بررسی نتایج حاصل از سنجش رابطه میان دو متغیر کاهش قبح فساد و نگرش به فساد در آماره دی سامرز (۰/۵۱۳)، معناداری آنها نشان داده می‌شود. لذا، فرضیه «هرچه در ذهنیت کنشگران کاهش قبح فساد بیشتر باشد، تمایلات آنها به فساد مثبت خواهد شد»، مورد تأیید است. مقدار بالای این آماره (۰/۷۱۳) نشانگر شدت رابطه میان کاهش قبح فساد و نگرش مثبت به فساد است. مقدار گاما (۰/۷۲۲) شاهدهی قوی بر شدت رابطه میان دو متغیر است. سطح معناداری به دست آمده از آزمون دیسامرز برای بررسی رابطه میان دو متغیر دین‌داری و نگرش به فساد، به لحاظ آماری معنادار نیست. بر این اساس، فرضیه «هرچه دین‌داری در افراد بیشتر باشد، نگرش آنها به فساد منفی خواهد شد»، تأیید نمی‌گردد.

جدول ۷. رابطه بین متغیرهای مستقل و نگرش به فساد

ضریب هم‌بستگی		متغیرهای مستقل
<i>p</i>	پیرسون	
۰/۰۰۴	-۰/۲۸۲	ترجیح ایثارگری
۰/۰۰۵	۰/۱۲۳	ترجیح طفیل‌گری
۰/۴۶۰	-۰/۰۳۵	ارزش‌های ترقی فردی
۰/۰۰۵	۰/۷۱۳	کاهش قبح فساد
۰/۴۲۸	-۰/۰۳۲	دین‌داری
۰/۰۰۶	۰/۵۴۳	عقلانیت ابزاری

در بررسی فرضیه رابطه عقلانیت ابزاری و نگرش به فساد، معناداری میان دو متغیر مشاهده می‌شود. بنابراین، فرضیه «هرچه سطح عقلانیت ابزاری افراد بیشتر باشد، نگرش آنها به فساد مثبت است»، مورد تأیید است. مقدار ضریب پیرسون (۰/۵۴۳) شدت متوسط رابطه را می‌رساند. براساس نتایج فوق، برای کنترل آماری روابطی که در سطح تحلیل‌های دو متغیری بین متغیر وابسته و هریک از متغیرهای اصلی مورد توجه پژوهش به دست آمده‌اند، به تحلیل رگرسیونی پرداخته شده است. در بررسی رگرسیونی، متغیر ارزش‌های ترقی فردی و دین‌داری اثر معناداری بر متغیر وابسته ندارد. رابطه میزان ایثارگری با نگرش به فساد در جهت معکوس معنادار است.

جدول ۸. تحلیل چندمتغیره: هم‌بستگی رگرسیونی متغیرهای تحقیق

مدل	<i>B</i>	β	<i>t</i>	<i>P</i>	R^2	<i>Adj R^2</i>	<i>F</i>	<i>P</i>
ایثارگری	-۰/۱۱۷	-۰/۲۲۷	-۲/۲۲۹	۰/۰۲۶	۰/۶۱	۰/۶	۸/۹	۰/۰۰۱
طفیل‌گری	۰/۱۹۰	۰/۹۷۵	۳/۳۵۴	۰/۰۰۱				
کاهش قبح فساد	۰/۰۹۵	۱/۰۶۲	-۱/۲۵۰	۰/۰۰۲				
دین‌داری	-۰/۸۵۱	-۰/۱۸۴	-۳/۱۵۳	۰/۲۳۳				
عقلانیت ابزاری	۰/۰۱۲	۰/۸۱۲	۰/۲۴۱	۰/۰۰۹				
مقدار ثابت	۲/۳۶۶		۱۳/۸۶۹	۰/۰۰۱				

سطح معناداری به‌دست‌آمده از رابطه میان عقلانیت ابزاری و طفیلی‌گری با نگرش به فساد، به‌ترتیب ۰/۰۰۹ و ۰/۰۰۱ است که نشانگر اثر مستقیم آنها بر نگرش به فساد است. در میان متغیرهای مورد نظر، کاهش قبح فساد (β=۱/۰۶۲) بیشترین سهم را در تغییرات متغیر وابسته دارد. پس از آن، متغیر طفیلی‌گری (β=۰/۹۷۵) است. سومین متغیر سهمیم در تغییرات متغیر وابسته، عقلانیت ابزاری است که اثر آن معنادار است (β=۰/۸۱۲). همچنین با توجه به مقدار ضریب تعیین (R²=۰/۶۱)، تنها ۰/۳۹ از تغییرات باقیمانده متأثر از عوامل و متغیرهای بیرون از تحقیق است. به عبارتی، ۶۱ درصد از تغییرات نگرش به فساد ناشی از متغیرهایی است که در این تحقیق به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های برآمده از تحقیق با استناد به فرضیه‌های موجود، به گونه‌ای رقم خورد که به‌استثناهای ارزش‌های ترقی فردی^۱ و دین‌داری^۲، متغیرهای ترجیح ایتارگری^۳، ترجیح طفیلی‌گری^۴، کاهش قبح فساد^۵ و عقلانیت ابزاری^۶ رابطه معناداری با نگرش به فساد برقرار کردند. نگرش به فساد حالتی است که در آن کنشگر عضو یک گروه یا جامعه با دو گزینه روبه‌رو است: نگرش مثبت که جست‌وجوی نفع فردی است و نگرش منفی که جست‌وجوی نفع جمعی خواهد بود. مهم‌ترین یافته پژوهش نگرش مثبت شهروندان به فساد است. بر این مبنای، چارچوب عمده پژوهش، نظریه بازی و دوراهی اجتماعی در قالب انتخاب عقلانی بود که تلاش شد رفتار کنشگران را براساس محاسبه سود و زیان توسط خود آنها تبیین گردد.

تبیین وجود رابطه معکوس میان میزان ترجیحات ایتارگرایانه و نگرش منفی به فساد و به عبارتی تأثیر افزایش و کاهش ایتارگری افراد در افزایش و کاهش نگرش به فساد، برآمده از حاکمیت الگوی هم‌حسی است که بخش مهمی از خودپنداره افراد است. این مطلب مبین همسانی با دیدگاه دورکیم، مبنی بر وجود روحیه خودتنظیمی و استقلال ارادی است (بیات، ۱۳۷۲). محققان دیگر نیز ترجیحاتی نزدیک به این مسئله را در پژوهش‌های خویش یافته‌اند (چلبی، ۱۳۸۱ الف؛ دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۸۱؛ نوروزی، ۱۳۷۵). رابطه معنادار میان نگرش منفی به فساد و ترجیح پاسخ‌گویان به طفیلی‌گری، چه به‌صورت درون ذات و چه به‌شکل رفتاری، را شاید بتوان با توجه به خو نمودن به خانواده و خویشاوندگرایی (ادیب، ۱۳۷۴؛

¹ Value of Individual Improvement

² Religiosity

³ Altruistic Preference

⁴ Free-riding Preference

⁵ Decreasing the Malign of Corruption

⁶ Instrumental Rationality

رفیع پور، ۱۳۸۸؛ کیا، ۱۳۸۹) و رابطه‌مندی تبیین کرد. عدم رابطه معنادار میان متغیر افزایش ارزش‌های ترقی فردی و نگرش مثبت به فساد را می‌توان این‌گونه استدلال کرد که تکثر چنین ارزش‌هایی در جامعه و نگاه مثبت جامعه مدرن به لذت‌طلبی، نیل به هدف، موفقیت، ثروت و مقام، باورها و هنجارها کم‌وبیش فرصت‌ها و اجازه دست‌یابی بدان‌ها را مجاز شمرده‌اند. از این رو، چنین اموری به ارزش‌های مطلوب همگان بدل شده‌اند و تفاوتی در این زمینه مابین افراد با سلیق گوناگون مشاهده نمی‌شود. در حقیقت داشتن ارزش‌های ترقی فردی به مسئله‌ای ممتنع بدل گشته و نقشی کم‌رنگ در کردارها و کنش‌های جمعی ابعاد نگرشی فساد ایفا می‌کند.

اما با توجه به رابطه‌مند بودن تأثیر کاهش قبح فساد بر نگرش مثبت بدان، کاسته‌شدن قبح و به‌دنبال آن اضمحلال مکانسیم‌های درونی کنترل در افراد را با متغیر دین‌داری هم‌بسته می‌دانیم. لذا به‌منظور قابلیت تبیین دقیق‌تر، مفهوم دین‌داری را نیز فصل قریب تحلیل کاهش قبح فساد می‌دانیم. با توجه به تأکید مستقیم آرای نظری عدیده، انتظار می‌رفت میان دین‌داری و نگرش منفی به فساد رابطه باشد (رفیع پور، ۱۳۸۸؛ به نقل از فروید، ۱۹۵۳، ریزمن، ۱۹۵۸). آنچه نیز از منظر انتخاب عقلانی به‌عنوان تأثیر دین‌داری بر نگرش به فساد قابل برداشت است، گذشتن از نفع فردی است. این وضعیت در میان شهروندان مورد مطالعه ما صدق نمی‌کند. تحلیل این رخداد راجع به این موضوع است که در جامعه‌ای که دین و دین‌داری با نظام سیاسی پیوند یابد، رفتار مذهبی به‌عنوان رفتاری سیاسی با ابزار تشویق و توبیخ ارزیابی می‌گردد (رفیع پور، ۱۳۸۸). در نتیجه برخی افراد احساس نگرانی می‌کنند که تمایل واقعی خود را بیان کنند و گاهی به‌منظور به‌دست‌آوردن حداکثر سود، تمایلات دینی خود را متناسب با انتظارات نظارت‌کنندگان وانمود کنند. از سوی دیگر، پرداخت تحلیلی معنادار بودن رابطه میان عقلانیت ابزاری و نگرش مثبت به فساد، نشان از شکاف اخلاق با کنش عقلانی ابزاری دارد (بیات، ۱۳۷۲). زیرا قواعد اخلاقی و رفتارهای جمع‌گرایانه، قراردادهایی سودگرایانه نیستند و مردم معمولاً در این موقعیت‌ها به نفع جمعی تمایل می‌یابند. از این رو، امروزه بالابودن عقلانیت ابزاری کمتر به نگرش‌های جمع‌گرایانه ختم می‌شود.

به‌عنوان جمع‌بندی نهایی از مباحث تحلیلی و عطف توجه به داده‌های تجربی، حدود ۲۸ درصد افراد نگرش منفی، ۴۸ درصد نگرش بینابین و ۲۴ درصد نگرشی مثبت به فساد دارند. بر این اساس کسانی که نگرش مثبتی به فساد دارند، افرادی هستند که کاهش قبح فساد، ترجیح رفتاری طفیل‌گری و عقلانیت ابزاری بیشتری دارند. برآیند این یافته‌ها، توجه به این نکته است که از منظر دور‌کیمی، امیال پایان‌ناپذیر و فزاینده انسان در جهان امروز با نظمی جماعتی قابل مهار نیست. چرا که آموزه‌های اخلاقی رفتار افراد را تنظیم نمی‌کنند و در عین حال افراد با احساسی از کاهش قبح فساد، افزایش کنش ابزاری و طفیلی‌گری روبه‌رو شده‌اند. مسائل مذکور

از سوی عوامل دیگری چون افول اقتدار نهادهای اخلاقی نیز تقویت می‌شوند. نکته دیگر آنکه علی‌رغم دامنه نفوذ دین در بخش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران، به باور برخی کارکرد اصلاحی دین در زمینه اصلاح رفتار فردی-اجتماعی محدود است (رفیع‌پور، ۱۳۸۸: ۱۰۸). هنجارهای مناسبی در جزئی‌ترین مراحل و انشعاب آموخته می‌شود؛ اما آموزه‌های اخلاقی و امکان رایج شدن ارزش‌های عمیق مغفول مانده‌اند. بدین جهت در پایان به منظور کاهش بی‌توجهی نسبت به فساد باید تلاش کرد در وضعیت فرهنگی و هنجارهای حاکمه تجدیدنظر و بازسازی صورت گیرد. در این مسیر می‌توان با بهره‌گیری از نهاد آموزش در قالب آموزش قبح کم‌کاری، پاسخ‌گویی در مقابل تعهدات و تشویق به ورود افراد در فرایندهای مختلف اجتماعی بر بیداری و «تحریک وجدان جمعی» همت گماشت. علاوه بر این، نهادسازی و افزایش اعتماد اجتماعی در قالب «احیای حس مسئولیت‌پذیری» از طریق تقویت کانون‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد به‌منزله پل‌های ارتباطی حکومت و مردم، مداخله در خط‌مشی‌گذاری‌ها و به نوعی پرورش «شهروند مدنی» گامی مؤثر خواهد بود. همگام با این مسیر، ایجاد محیط‌های بازدارنده و عدم تبعیض در برخورد با فساد می‌تواند از رهنمودهای عملی و اجرایی امور باشد. چرا که علاوه بر دو بعد «تحریک وجدان جمعی» و «احیای حس مسئولیت‌پذیری»، سیاست‌های مبتنی بر کنترل و نظارت سیستمی عامل بازدارنده و تکمیل‌کننده عدم ارتکاب رفتارهای ناعادلانه کنش‌گران اجتماعی نسبت به یکدیگر است.

منابع

- ادیب، م. ح (۱۳۷۴) *جامعه‌شناسی ایران*، تهران: هشت بهشت.
- بلالی، ا و فرامرزی، د (۱۳۸۰) «بررسی نظری مسئله فساد»، *مجله حقوق د/دگستری*، شماره ۳۷: ۳۷-۸.
- بیات، ف (۱۳۷۲) رابطه عام‌گرایی با اخلاق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- بیرهوف، و (۱۳۸۴) *رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه ر. صدیقی‌نژاد، تهران: گل آذین.
- بیرو، آ (۱۳۶۶) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه ب. ساروخانی، تهران: کیهان.
- تقوی، ع (۱۳۸۲) «تأثیر فرهنگ سازمانی بر فساد اداری»، *ماهنامه تدبیر*، شماره ۱۸۱: ۲۷-۳۱.
- جلایی‌پور، ح. ر (۱۳۸۵) «فروپاشی یا آشفتگی اجتماعی در ایران ۱۳۷۶-۱۳۸۴»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۷ (۳): ۷۵-۵۹.
- جوادی یگانه، م. ر (۱۳۸۳) *دوره‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر رفتار مردم در این موقعیت*، رساله دکتری منتشر نشده، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

- جوادی یگانه، م. ر (۱۳۸۷) «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی: مقدمه بر تغییرات فرهنگی و اجتماعی برنامه‌ریزی‌شده» راهبرد فرهنگ، شماره ۱ (۳): ۳۳-۶۴.
- چلبی، م. (۱۳۸۱الف) بررسی تجربی نظام شخصیت در ایران، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- چلبی، م (۱۳۸۱ب) «فضای کنش، ابزاری تنظیمی در نظریه سازی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴ (۱): ۴۵-۴۶.
- حبیبی، نادر (۱۳۷۵) فساد اداری، تهران: وثقی.
- دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱) ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان؛ یافته‌های پیمایش در ۲۸ استان کشور.
- رئیس دانا، ف (۱۳۸۴) «عوامل و انگیزه‌های اقتصادی-اجتماعی بروز بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی در ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴ (۱۶): ۲۲۱-۲۵۰.
- ربیعی، ع (۱۳۸۹) نقش فرهنگ سازمانی در پیشگیری از بروز فساد اداری، تهران: دانشگاه پیام نور مرکز.
- رفیع‌پور، ف (۱۳۸۸) سرطان اجتماعی فساد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رفیعی، ح و مدنی، س (۱۳۸۴) «واکنش‌های غیرسیاسی نسبت به بحران‌های اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴ (۱۶): ۱۰۵-۱۳۶.
- روشه، گ (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه ع. ح. نیک‌گهر، تهران: تبیان.
- سراج زاده، س. ح (۱۳۸۴) چالش‌های دین و مدرنیته، تهران: طرح نو.
- شکری، خ (۱۳۸۸) «استراتژی مبارزه با فساد»، ماهنامه اطلاعات سیاسی، شماره ۱۱ و ۱۲: ۲۶۲-۲۶۴.
- صبوری، م (۱۳۸۰) «ضرورت اصلاح ساختار اداری»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران (ویژه‌نامه دومین همایش مسائل اجتماعی ایران)، شماره ۱ (۱): ۱۱-۲۴.
- عباسی، م و جمال‌پور، م (۱۳۹۰) «نقش فرهنگ سازمانی در ارتقای سلامت اداری و سطح رضایت‌مندی مردم»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۵ (۴۴ و ۵۵): ۴۴-۵۴.
- کیا، ف (۱۳۸۶) بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی و فساد اداری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده، دانشگاه پیام نور مرکز تهران، تهران.
- گلاور، ج و برونینگ، ر (۱۳۸۱) روان‌شناسی تربیتی؛ اصول و کاربرد آن، ترجمه ع. ن. خرازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- گولد، ج و کولب، و (۱۳۹۴) فرهنگ علوم اجتماعی، به کوشش م. ج. زاهدی، تهران: مازیار.
- لیتل، د (۱۳۷۳) تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه ع. ک. سروش، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.

مرتن، ر (۱۳۷۶) مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه ن. تولایی، تهران: امیرکبیر.
نچمیاس، چ. ف و نچمیاس، د (۱۳۸۱) روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی، ترجمه ر. فاضل و
ف. لاریجانی، تهران: سروش.

نوروزی، ف. ا (۱۳۷۵) فردگرایی در بین جوانان در حال تحصیل در تهران. پایان نامه
کارشناسی ارشد منتشر نشده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

Agnew, R (1996) 'The Origins of Delinquent Events: An Examination of Offender Accounts', *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 27 (3): 267-294.

Baker, T. & Piquero, A (2010) 'Assessing Perceived Benefits- Criminal Offending Relationship', *Journal of Criminal Justice*, 38: 981-987.

Beckman, R, Paternoster, R & Ward, S (1992) 'The Rationality of Sexual Offending: Testing A Deterrence/ Rational Choice Conception of Sexual Assault', *Law & Society Review*, 26 (2): 343-372.

Clarke, R. V & Felson, M (1993) *Routine Activity and Rational Choice: Advances in Criminological Theory*, London: Transaction Publishers.

Cornish, D. B & Clarke, R. V (1987) 'Understanding Crime Displacement: An Application of Rational Choice Theory', *Criminology*, 25: 933-947.

Deng, X (1994) *Toward a More Comprehensive of Crime: An Integrated Model of Self-Control and Rational Choice Theories*, New Brunswick, NJ: Transaction.

Hope, K (2000) 'Corruption and Development in Africa', In K. Hope & B. Chikulo (Eds.), *Corruption and Development in Africa: Lessons from Country Case Studies*, 231-340, London: Macmillan.

Mehlkop, G & Graeff, P (2010) 'Modeling A Rational Choice Theory of Criminal Action: Subjective Expected Utilities, Norms and Interactions', *Rationality and Society*, 22 (2): 189-222.

Paternoster, R & Simpson, S (1996) 'Sanction Threats and Appeals to Morality: Testing a Rational Choice Model of Corporate Crime', *Law & Society Review*, 30 (3): 549-584.

Regoli, R. M & Hewitt, J. D (2000) *Delinquency in Society*, McGraw: Hill Higher Education Publisher.

Scot, B. M & Schwartz, A (2000) *Sociology*, USA: Allyn and Bacon.

Siegel, L. J & Sienna, J (1997) *Juvenile Delinquency: Theory, Practice and Law* (Sixth edition), USA: West Publishing Company.

Vito, G. F, Maahs, J. R & Holmes, R. M (2007) *Criminology: Theory. Research and Policy*, Canada: Jones and Bartlett Publishers.